

Islamic Knowledge and Insight

Analysis of Debate Components and Skills in the Conduct of Imam Reza (PBUH) with Followers of Religions and Sects

1. Mohammad Ali Pourbadakhshan*: PhD Student, Department of Shia Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran. (Email: Map_313@yahoo.com)

Abstract

Imam Reza (peace be upon him) engaged in debates with a diverse range of individuals including Christian theologians, Zoroastrians, Jews, materialists, Sabians, as well as Islamic sects and others. In these debates, Imam Reza (PBUH) employed various components and skills. The present article aims to evaluate the components and skills utilized by Imam Reza (PBUH) in his dialogues with adherents of different religions and sects. To this end, this study was conducted using a descriptive-analytical method and addresses the central research question: What components and skills did Imam Reza (PBUH) employ in debates with theologians from different religions and sects? Based on the findings, it can be asserted that the debates of Imam Reza (PBUH) can be classified into three principal categories: ethical, logical, and freethinking indicators. Furthermore, the skills used by Imam Reza (PBUH) encompass five simultaneous methods. Even in the most challenging debates, without falling into the traps of fallacious or unethical reasoning, he advanced his arguments using communicative debate strategies, ultimately prevailing over his opponents.

Keywords: *Imam Reza (PBUH), religions and sects, components of debate, debate skills.*

معرفت و بصیرت اسلامی

تحلیل مؤلفه‌ها و مهارت‌های مناظره در سیره امام رضا (ع) با صاحبان ادیان و مذاهب

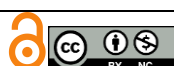
۱. محمد علی پوربدخشان^{*}: دانشجوی دکتری، گروه شیعه‌شناسی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران.
(پست الکترونیک: Map_313@yahoo.com)

چکیده

امام رضا (علیه السلام) با افراد گوناگون مانند متکلمان مسیحی، زردشتی، یهودی، مادی‌گرایان، صابئان و نیز فرقه‌های اسلامی و ... مناظره می‌کردند. حضرت امام رضا (علیه السلام) در این مناظرات مؤلفه‌ها و مهارت‌های گوناگونی استفاده می‌کردند. مقاله پیش رو با هدف ارزیابی مؤلفه‌ها و مهارت‌های مورد استفاده امام رضا (علیه السلام) در مناظرات با صاحبان ادیان و مذاهب انجام شده است، به این منظور این تحقیق با روش توصیفی تحلیلی انجام شده است و به این پرسش اصلی پاسخ داده است که امام رضا (علیه السلام) در مناظرات با متکلمان ادیان و مذاهب از چه مؤلفه‌ها و مهارت‌هایی استفاده می‌کردند؟ بر اساس یافته‌های حاصله می‌توان اذعان داشت، مناظره‌های امام رضا (علیه السلام) در سه قالب اصلی، شاخص‌های اخلاقی، منطقی و آزاداندیشانه طبقه‌بندی می‌شود. همچنین مهارت‌های مورد استفاده امام رضا (علیه السلام)، ۵ شیوه توانمند می‌باشد و در سخت‌ترین مناظره هم، بدون افتادن در دام‌های استدلال غلط و یا غیراخلاقی، با بهره‌گیری از شیوه‌های مناظره ارتباطی، استدلال و بحث را تا مرحله غلبه بر رقیب پیش برده‌اند.

کلیدواژه‌گان: امام رضا (علیه السلام)، ادیان و مذاهب، مؤلفه‌های مناظره،

مهارت‌های مناظره •



How to cite: Pourbadakhshan, M. A. (2024). Analysis of Debate Components and Skills in the Conduct of Imam Reza (PBUH) with Followers of Religions and Sects. *Islamic Knowledge and Insight*, 2(1), 199-209.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 22 March 2024

Revise Date: 24 April 2024

Accept Date: 05 May 2024

Publish Date: 17 May 2024

شیوه استناددهی: پوربدخشان، محمد علی. (۱۴۰۳). تحلیل مؤلفه‌ها و مهارت‌های مناظره در سیره امام رضا (ع) با صاحبان ادیان و مذاهب. معرفت و بصیرت اسلامی، ۲(۱)، ۱۹۹-۲۰۹.

© ۱۴۰۳ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ فروردین ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۵ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۶ اردیبهشت ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۲۸ اردیبهشت ۱۴۰۳

مقدمه

امام رضا (علیه السلام) با اشخاص گوناگون مانند نمایندگان یهودیان، مسیحیان، زردشتیان و مادی‌گراها، افرادی که در فرقه‌های اسلامی دیدگاه‌های به خصوصی داشتند، از قبیل سلیمان مروزی، ابوقره، علی بن جهم و در مورد مباحث مختلف مانند مسائل توحیدی و نیز امامت مناظره کرده‌اند (Qureshi, 2001). شیخ صدوق در کتاب عیون اخبارالرضا (علیه السلام)، برجسته‌ترین اخبار امام رضا (علیه السلام) را ذکر کرده است، به عنوان مثال یکی از این مناظرات در مورد توحید می‌باشد که شیخ صدوق با عنوان «باب ذکر مجلس‌الرضا (علیه السلام) مع اهل‌الادیان و اصحاب‌المقالات فی التوحید عند المامون» از آن یاد کرده است (Ibn Babawayh, 1995) و به این صورت توضیح می‌دهد که این مناظره علاوه بر طولانی بودن، حضرت ریزه‌کاری‌های زیادی در مباحث توحیدی به حالت دامنه‌دار مطرح می‌نماید، با افراد مادی‌گرا به یک شیوه بحث می‌نمایند و با مسیحیان به شیوه‌ای دیگر. در مقاله پیش رو بر آن شدیم، مولفه‌ها و مهارت‌های مناظره در سیره امام رضا (علیه السلام) با صاحبان ادیان و مذاهب را مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم.

پیشینه

تا به حال تحقیقات گوناگونی در مورد مناظرات امام رضا (علیه السلام) انجام شده است که می‌توان از با اهمیت‌ترین آن‌ها به «اصول علمی و اخلاقی مناظرات رضوی (Rezazadeh Kohangi & Hosseini, 2015)؛ «تحلیل گفتمان مناظره‌های امام رضا (علیه السلام) (Majidi, 2013)؛ «شیوه‌ها و ویژگی‌های مناظره امام رضا (علیه السلام) (Sharifi, 2013)؛ «اخلاق مناظراتی و مناظرات اخلاقی در سیره رضوی و شیوه بکارگیری آن در کرسی‌های آزاداندیشی» (Mahmoudi, 2015)؛ «شاخص‌های اخلاقی در مناظرات رضوی» (Ghafari, 2017) اشاره داشت. با وجود اینکه در بعضی از این تحقیقات به اصول اخلاقی و ارزش‌های مناظره، مانند حق‌جویی عدالت، رعایت بعد ادب، انصاف و ... اشاره گردیده

است، ولی در تحقیق پیش رو سعی بر این است که به مولفه‌ها و مهارت‌های مناظرات امام رضا (علیه السلام) پرداخته شود.

۱. مولفه‌های مناظرات امام رضا (علیه السلام)

مولفه‌های برجسته مناظرات امام رضا (علیه السلام) را می‌توان در قالب سه شاخص اخلاقی، منطقی و آزاداندیشانه طبقه‌بندی نمود، که در ادامه به توضیح هر یک از این مولفه‌ها خواهیم پرداخت

۱.۱. مولفه‌های اخلاقی

در مناظرات امام رضا (علیه السلام) می‌توان، گزاره‌های زیر را به عنوان خصوصیات برجسته اخلاقی آن حضرت در مناظره‌ها معرفی نمود.

۱.۱.۱. تکریم متقابل

یکی از مبانی اخلاقی پررنگ در مناظرات آن حضرت احترام و تکریم متقابل می‌باشد. ایشان در مناظرات تاکید زیادی بر احترام به دیگران و عدم استفاده از الفاظ ناپسند داشتند. آن حضرت با وجود جایگاه بالای علمی و برخورداری از منبع فیض الهی، هرگز در زمان مناظرات شخص مقابل خود را تحقیر، تمسخر و استهزا نمی‌کردند؛ به عنوان مثال در مناظره با سلیمان مروزی زمانی که سلیمان در مقابل امام ناگزیر به استفاده از تناقض‌گویی شد؛ حاضرین وی را مورد تمسخر قرار دادند که امام رضا (علیه السلام) آن‌ها را به ملایمت دعوت کردند (Qureshi, 2001). رفتار احترام‌آمیز حضرت سبب شده بود مخالفان نیز تحت تاثیر قرار گیرند و با فروتنی با ایشان برخورد کنند؛ به نحوی که برخی از علمای بزرگ مانند عمران صابئی امام را با القابی مانند «سیدی» و «مولای» خطاب می‌کردند (همان: ۳۱۵).

۱.۱.۲. رعایت انصاف

یکی از مولفه‌های اصلی در مناظره رعایت اصل انصاف می‌باشد، امام نیز در مناظره‌های خود این اصل مهم را به فرد مقابل خود گوشزد می‌کردند. به عنوان مثال در مناظره با عمران صابئی امام (علیه السلام) متذکر می‌شدند: ای عمران، هر آنچه قصد داری، سوال کن، ولی بی‌انصافی مکن و سخنان باطل نگو (Majlisi, 2007) و نیز ایشان

زمانی که مشاهده می‌کردند، فرد مقابل منصفانه برخورد می‌کند، می‌فرمودند: «انصاف به خرج دادی» (Qalandari, 2002).

۱.۳.۱. عدم نقد شخصیت افراد

امام رضا (علیه السلام) در هیچ یک از مناظرات خویش شخصیت طرف مقابل را هدف قرار نداده‌اند و تنها به نقد استدلال‌های آن‌ها می‌پرداختند و نکته‌های غلط و منحرف آن‌ها را ذکر می‌کردند؛ اما گاهی اوقات در مقابل، افرادی مانند جاثلیق تنها به نقد شخصیت آن حضرت می‌پرداخت و امام را به جهل و ناتوانی علمی متهم می‌کرد (Ibn Babawayh, 1995).

۱.۲. مولفه‌های منطقی

مولفه‌های منطقی آن گروه از اصول و قواعدی می‌باشد که تفکر و اندیشه صحیح در مورد یک موضوع، نیازمند رعایت آن می‌باشند. در مناظره‌های امام رضا (علیه السلام) شاخص‌های چشمگیری وجود دارد که در ادامه به تفصیل توضیح داده می‌شود:

۱.۲.۱. بهره‌گیری از مسلمات خصم

این روش یکی از شیوه‌های مناظره می‌باشد. حضرت بارها در مناظرات خویش نخست از مخاطب نسبت به موضوع بحث اعتراف می‌گرفت. مثلاً حضرت در مناظره با جاثلیق به او می‌فرمایند: «تو را قسم می‌دهم، آیا انجیل این است که یوحنا بیان کرد مسیح مرا از آیین عربی خبر داد و به من نوید داد، بعد از وی محمد (صلی الله علیه و آله) می‌آید، من هم مژده را حواریون دادم و آن‌ها به محمد (صلی الله علیه و آله) ایمان آوردند؟» جاثلیق جواب می‌دهد: یوحنا به نوبت مردی و خاندان او نوید می‌دهد، اما نگفته چه زمانی ظهور می‌کند و نامی از آن‌ها نیاورده است. حضرت فرمودند: «اگر شخصی را حاضر کنیم که اسم محمد (صلی الله علیه و آله) و پیروان او را در انجیل بخواند، ایمان می‌آوری؟» جاثلیق جواب می‌دهد: بله، ایمانی قوی! پس از آن حضرت اسم محمد و خاندانش را از انجیل خواند. سپس جاثلیق گفت: چیزی که در انجیل وجودش برای من ثابت شده است، قبول دارم و به آن اعتراف می‌کنم» (Ibn Babawayh, 1995) به

این ترتیب امام رضا (علیه السلام) با استفاده از متن مورد قبول جاثلیق (انجیل) توانستند وی را به اعتراف وادار نمایند.

۱.۲.۲. مناظره با نیت روشنگری

در مناظره، زمانی که مخاطب به این قطعیت برسد که نیت طرف مقابل، منفعت‌طلبی نیست، رابطه موفق‌تری بین آن‌ها ایجاد می‌شود. امام (علیه السلام) در جریان مناظره با عالمان اهل کتاب، با دوری از تعصب در استناد به قرآن کریم و ارائه استدلال‌هایی از منابع مورد قبول طرف مقابل، به روشنی نیت مناظره را اقتناع و عدم سوداگری بیان نمودند (Hashemi Ardakani, 2008). به عنوان مثال، امام در مناظر با جاثلیق، وقتی که آن امام، استدلال‌های دقیق و علمی خود را ارائه نمودند و تناقض عقاید و افکار جاثلیق برای همه روشن شد، او از ایشان درخواست نمود که از ادامه این مناظره وی را معاف دارند. امام نیز که دلیل‌های کافی را ارائه کرده بودند، برای ممانعت از تحقیر علمی او در جلسه، خواسته جاثلیق را قبول کردند و ادامه مناظره را به او واگذار نمودند (Tabarsi, 1966).

۱.۳.۲. ارائه معیارهای عقلانی اساسی

در مناظره جهتدار از بحث و تبادل فکری بین طرفین می‌توان به اصول کلی عقلانی پیرامون اعتقاد آن‌ها پی برد. در مناظرات حضرت این اصل وجود دارد، به نحوی که با ارزیابی مناظرات امام می‌توان بسیاری از معیارهای عقلانی اساسی مورد تایید ایشان را استخراج نمود. مثلاً؛ حضرت در مناظره با عمران صابئی، برای تبیین توحید، به اصول کلی اشاره کرده است که می‌تواند پاسخگوی پرسش‌های گوناگون باشد، اصولی که از این مناظره برداشت می‌شود به قرار زیر است:

- خداوند بلند مرتبه قائم به ذات است، به این معنا که اقدس ربوبی «موجود بذاته» می‌باشد که در قوام خویش کمترین نیازی به دلیل دیگری ندارد.
- هر حد و میزانی به دور از ذات اقدس الهی می‌باشد.
- خداوند مقدر فرموده است، مخلوقات تقدیر و تحدید داشته باشند.

نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله)، او را به دو کتاب «اشعیا» و «زبور» ارجاع دادند (Ibn Babawayh, 1995).

۱.۲.۵. ارائه نتیجه کارآمد و هدفمند

مناظره‌ای مطلوب است که روند اجرای آن به نحوی باشد که در پایان، بحث‌های ارائه شده در آن به ارائه یک نتیجه مطلوب، کارآمد و جهت‌دار ختم گردد. این خصوصیت از ویژگی‌های منطقی پررنگ مناظرات امام رضا (علیه السلام) می‌باشد. امام (علیه السلام) در مناظرات با صاحبان ادیان و مذاهب گوناگون، باعث اقناع و سکوت آن‌ها در مقابل اندیشه اسلامی و همچنین تشیع گردیده و به اثبات رساندند که به بن‌بست رسیده‌اند؛ در این مسیر برخی از رهبران ادیان به ضعف خود اقرار نموده و مسلمان می‌شدند. مثلاً جاثلیق زمانی که از مناظره با حضرت درممانده شد و هیچ راهی برای فرار از شکست نداشت، اذعان داشت: قسم به حق مسیح که گمان نمی‌کردم در بین مسلمان فردی مثل شما باشد (Maqami, 2004).

۱.۲.۶. ساختار منظم و منطقی مباحث

ارتباط معنایی الفاظ و تنظیم گفتار بخشی از شاخص‌های اجتناب‌ناپذیر سخنان ارزشمند و جهتدار در یک مناظره علمی به حساب می‌آید. به این ترتیب مجموعه یک بحث اساسی بایستی به عنوان، گروه‌بندی، تحلیل و جمع‌بندی به صورت مطلوب ختم شود تا دو طرف مناظره به خوبی درک کنند و مجذوب کلام شوند. امام رضا (علیه السلام) در جریان مناظرات علمی خود با تأکید بر این اصل با اهمیت و با تکیه بر سیر منطقی بحث‌ها، سخنان خویش را به نحوی تنظیم می‌نمودند که هر گونه ابهام در این مورد، برطرف گردد تا به این صورت مخاطب حقیقت را به صورت کامل دریابد.

۱.۳.۱. مولفه‌های عاطفی

مراد از مولفه‌های عاطفی خصوصیتی است که روح و روان فرد را متأثر می‌کند و به عنوان نیرویی انگیزشی دارای عاطفه، تأثیر زیادی در قبول قلبی و درونی مباحث دارد. مناظرات حضرت نیز این چنین شاخص‌های برجسته‌ای دارد که به بعضی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱.۳.۱. دقت و درک محتوای پیام مخاطب

- خداوند هم خالق است و هم مقدر چون مخلوقات اندازه و قانون دارند.
- خداوند سبحان چنین مقرر فرموده است تقدیر و مقدر با هم درک می‌شوند و هر کدام به ذات خویش قابل درک است.
- خداوند هیچ مخلوقی را قائم‌بالذات نیافریده است
- خداوند بی‌همتا و بی‌نیاز است که به غیر خویش تکیه کند.

۱.۲.۴. استناد بر دلایل مستدل و مستند

احتجاج در مناظرات بایستی با استناد به منبع‌های قابل قبول برای مخاطب بوده و همچنین مستدل و مستند باشد؛ به این ترتیب که بیان مطالب، آمار و نیز اخبار بایستی معتبر و مستند باشد و از مطالب کذب و فاقد منبع به دور از منطق و عقل خودداری گردد. امام رضا (علیه السلام) در مناظرات خویش اهمیت زیادی برای این مولفه قائل بودند و می‌فرمایند: «آیا منصف‌ترین اشخاص، فردی نیست که در مناظره با خصم خویش، با کتاب و پیغمبر و دین وی به مناظره پردازد؟» (Majlisi, 2007). به عنوان مثال می‌توان بیان داشت راس‌الجالوت قبول مناظره با امام (علیه السلام) را مشروط به استفاده از منابعی مانند تورات، انجیل، زبور و صحف حضرت ابراهیم و موسی (علیه السلام) بیان داشت. امام نیز در پاسخ بیان داشتند: «هیچ علتی را از من قبول نکن مگر آنچه در تورات به زبان موسی بن عمران (علیه السلام) در انجیل به زبان عیسی بن مریم (علیه السلام) و در زبور به بیان داوود (علیه السلام) نقل گردیده باشد (Ibn Babawayh, 1995). در ادامه امام (علیه السلام) علاوه بر بیان یک بحث، منبع آن را نیز بیان می‌کردند و مخاطب مناظره را به آن ارجاع می‌دادند. از نمونه این مناظرات می‌توان مناظره با راس‌الجالوت و سلیمان مروزی را مثال زد؛ به نحوی که امام در مناظر با راس‌الجالوت از او سوال کردند: «آیا مطالب در ارتباط با حزقیال پیغمبر (علیه السلام) را در تورات مشاهده کرده‌ای که پنج هزار تن را بعد از گذشت شصت سال از مرگ زنده نمود؟» امام (علیه السلام) در این مناظره برای ثابت کردن

از اصول مهم و اساسی در بحث و ارتباط با دیگران دوری از جدل می‌باشد، با اهمیت تر اینکه به جای تلاش در ارائه جواب، بایستی در فهم صحبت مخاطب کوشید. بر این پایه می‌توان گفت، کسی می‌تواند در استفاده از مناظره مهارت داشته باشد که مخاطب، درک صحیحی از آنچه وی حس می‌کند و تلاش دارد منتقل کند، داشته باشد (Maqami, 2004)، چون عدم درک محتوای پیام گوینده معضلی است که می‌تواند سازوکار مناظره را کلاً از مسیر خود منحرف کند. حضرت همیشه در مناظرات خویش لزوم رعایت این مولفه را به مخاطب خویش گوشزد می‌نمود. مثلاً به عمران صابی بیان داشتند: «ای عمران! خبر می‌دهم تو را به آنچه سوال کردی، اما در چیزی که به تو می‌گویم، با تعقل نگاه کن و در چیزی که سوال کردی، عقل و فهم به پا دار، چون این مطلب سخت‌ترین مباحثی است که بر مردم وارد می‌گردد و افرادی که عقل، فهم و درک ثابت نداشته باشند و جاهل و نادانی داشته باشند، از درک آن ناتوان گردند و افرادی که حق‌شناسی، انصاف و عقل دارند، درک می‌کنند.» (Ibn Babawayh, 1995).

۱.۳.۲. استفاده از قول لیل

یکی از شروط اثرگذاری و نفوذ کلام در مناظره بهره‌گیری از سخن نرم و آهنگ دلنشین می‌باشد. تاثیر این روش تا جایی است که خداوند تبارک و تعالی، حضرت موسی (علیه السلام) و هارون را در رویارویی با فرعون ملزم به رعایت این روش می‌دارد: «با نرمی صحبت کنید، شاید متذکر گردد و از عذاب خداوند بیم یابد» (طه/۴۴). همچنین در جایی دیگر در رمز پیروزی پیامبر (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «اگر خشن و دلسخت بودی، مردم از پیرامون تو پراکنده می‌شدند» (آل عمران/ ۱۵۹). بهره‌گیری از سخن نرم و دلنشین چنان با ارزش است که امام علی (علیه السلام) بهره‌گیری از آن را قسمتی از عبادت دانسته است. با بررسی مناظرات امام رضا (علیه السلام) و نوع واژگان و عبارات مورد استفاده بوسیله ایشان، مشخص می‌شود، در کنار توجه به افکار مخاطبان، به فطرت آن‌ها هم توجه شده است، به نحوی که لحن گفتار و نیز کیفیت تغییر لحن

ایشان حاکی از این حقیقت می‌باشد. حضرت برای تاثیر بیشتر سخن در مخاطب و نیل به درک همدلانه با وی، همیشه مطالب را نرم، ملایم و در چارچوبی موزون ارائه می‌نمود و از بیان معنی‌ها و مفهومی‌های تند و ناراحت کننده دوری می‌کرد. در مناظرات حضرت موردی که نشان دهنده این جلوه با اهمیت است، ذوق و شوق مخاطب برای ادامه بحث می‌باشد. به طور واضح می‌توان در مناظرات امام این مهم را مشاهده کرد که صحبت‌های ایشان، به نحوی در مخاطب موثر بوده که وقتی آن حضرت، صحبتشان را به اتمام می‌رساندند، مخاطب به ذوق، به شنیدن مباحث بیشتر اصرار داشت. به عنوان نمونه سلیمان مروزی، که یکی از افراد مناظره کننده با امام بود؛ بعد از شنیدن جواب امام در خصوص بداء، با شوق فراوان از حضرت درخواست کرد تا در مورد آن توضیحات بیشتری ارائه دهند (Hashemi Ardakani, 2008).

۱.۳.۳. ایجاد فضای آرام

می‌توان اذعان داشت در یک مناظره ضروری‌ترین مولفه، وجود محیطی به دور از تنش و خشونت است که افراد را از بازگشت به خود و فکر منطقی و صحیح بازمی‌دارد؛ چون افراد در حالت رضایت خود، تابع محیط اجتماعی می‌شوند که جامعه در اثر محیط خشونت شورانگیزی، فکر معینی را تایید یا رد می‌کند که انسان در حالت ناخودآگاه تسلیم آن محیط می‌شود (Qalandari, 2002). حضرت امام رضا (علیه السلام) در مناظره‌های خود افزون بر رعایت این مورد بر حرکت اطرافیان خود هم دقت داشتند و از این مورد که فضا برای مخاطب ناآرام باشد، رضایت نداشتند. به عنوان مثال زمانی که امام رضا با سلیمان مروزی مناظره می‌کردند و او را در یک مورد تسلیم می‌کردند حاضرین می‌خندیدند و با این کار فضای مناظره متشنج می‌شد. در این هنگام حضرت حاضرین را از این کار بازمی‌داشتند و می‌فرمودند: «به متکلم خراسان سخت نگیرید و وی را مورد آزار قرار ندهید.» (Ibn Babawayh, 1995).

۱.۳.۴. شناخت مخاطب

در حدیث‌های دینی ذکر گردیده است که وظیفه امام‌ها و انبیا این است که در بحث با مردم، بر پایه استعداد عقلی و نیز سطح فکری و شخصیت گوناگون آن‌ها صحبت کنند تا مردم حرف آن‌ها را درک کنند. حضرت امام رضا (علیه السلام) هم عموماً این اصل را در مناظرات خود با صاحبان ادیان و مذاهب گوناگون رعایت می‌کردند. امام همیشه در مناظرات متوجه خصوصیات روحی، استعداد عقلی و سطح فکر و نیز علمی مخاطب بود و بر پایه آن عمل می‌کرد؛ چون این روش تاثیر انگیزی زیادی برای فهم و قبول مطلب مورد بحث دارد. امام رضا (علیه السلام) در مواجهه با متکلمان ادیان و مذاهب یا از روش عقلی و استدلالی استفاده می‌کردند و یا از شیوه نقلی؛ به معنای ارجاع به کتب مقدس خود آن‌ها و نقل قول‌های بزرگان آن‌ها. ولی در مناظره با متکلمان اسلامی، افزون بر توسل به استدلال عقلی، از آیه‌های قرآن و اقوال تاریخی هم استفاده می‌کردند به نحوی که در مناظره ایشان با سلیمان مروزی، مامون، علین محمدبن جهم و ... شاهد این ماجرا هستیم. در یک مثال دیگر حضرت در مناظره با یحیی بن ضحاک سمرقندی، در خصوص مسأله امامت با کمک سخنان و عبارات خلفای راشدین (عمر و ابوبکر) امامت خود را ثابت کردند (Atarodi).

۴.۱. مولفه‌های آزاداندیشانه

مولفه‌های آزاداندیشانه از آن دسته مولفه‌هایی است؛ که هر شخصی با هر نژادی، شایسته داشتن این حق است.

۴.۱.۱. تسامح دینی

دین اسلام در مواجهه با بیگانگان و پیروان دین‌های الهی رفتار از روی مروت داشتند و برای اقلیت نیز حقوق به خصوصی در نظر می‌گرفتند. دین اسلام در مورد افراد بیگانه سختگیری ندارد و به تسامح دینی به آن‌ها سفارش دارد و دستور به سلوک دارد. حضرت امام رضا (علیه السلام) در رابطه با پیروان سایر دین‌ها، اهل تسامح و در پی آن بودند که با ایجاد فضایی به دور از تشنج از هر کشمکش تعصب‌گرایانه مذهبی، با افراد مخالف عقیدتی خویش گفتگویی خردمندانه داشته باشند. اما با فرقه‌های گوناگون مذهبی برخوردی از

روی احترام داشتند و هرگز احساسات مذهبی آن‌ها را تحریک نمی‌کردند (Majlisi, 2007). به عنوان نمونه در یکی از مناظره‌ها و در جواب فردی که از ایشان سوال کرد: از خاندان شما فردی است که به شیخین ناسزا گوید؟ ایشان علاوه بر جواب منفی بیان داشتند: «آنها را دوست بدار و با آن‌ها مهرورزی کن و برای آن‌ها از خداوند طلب آمرزش کن». امام علاوه بر اینکه با علما و خواص سایر دین‌ها برخورد شایسته داشت، نسبت به عوام و توده این فرقه‌ها هم مدارا می‌کردند (Majlisi, 2007). این مدارا به حدی بود که راوی بیان می‌دارد: «به امام رضا (علیه السلام) گفت: برای والدینم دعا کنم با وجودی که حق امام‌ها و پیامبر (صلی الله علیه و آله) را شناختند؟ حضرت بیان داشتند: «برای آنان دعا کن و صدقه بده و اگر زنده هستند و حق را نمی‌شناسند با ایشان با مدارا رفتار کن؛ چون پیامبر فرمودند: «خداوند من را با رحمت مبعوث کرد، نه با درشتی و نامهربانی».

۴.۱.۲. شرح صدر و تحمل عقاید مخالف

مولفه دیگری که می‌توان در مناظرات حضرت به آن اشاره کرد، سعه صدر است. اگر امام در طی مناظره با نظر مخالفی روبه‌رو می‌شد، با آن مخالفت نمی‌کرد و حتی از آن افکار استقبال می‌کرد. در مناظره با جاثلیق، جاثلیق زمانی که با استدلال امام روبه‌رو می‌شود که می‌فرماید: «ما به خدا اعتقاد داریم و به عیسی که به نبوت پیامبر (صلی الله علیه و آله) اعتقاد داشت و ما مورد برضد عیسی نداریم، جز ضعف و اندکی روزه و نماز وی». در این قسمت جاثلیق با فریاد می‌گوید: به خدا علم خود را فاسد کردی ما اینطور فکر می‌کردیم که تو عالم‌ترین اهل اسلام هستی. سپس امام رضا (علیه السلام) با آرامی به وی صحبت کردند و با توجه به خدا انگاشتن عیسی (علیه السلام) بوسیله مسیحی‌ها، به او جواب داد (Tabarsi, 1966).

۴.۱.۳. آزادی بیان

در مناظرات امام رضا (علیه السلام) یکی از مولفه‌های با ارزش آزادی بیان و تفکر است. حضرت به مخاطب آزادی بیان می‌دهد و وی را از این آزادی منع نمی‌نماید. امام رضا آزادی کلام و فکر را از

حق‌های مسلم انسانی می‌دانند؛ به این ترتیب در جریان مناظره، مخاطب خویش را از این حق مسلم برخوردار می‌نموند. به عنوان نمونه در مناظره با سلیمان مروزی به نحوی او را مجاب کرد که سلیمان، پنج مرتبه حیران شد و جوابی برای حضرت نداشت، اشتباه‌های وی به قدری بود که مامون و حاضرین به او خندیدند، مثلاً با وجود شنیدن جواب‌های قانع کننده از امام رضا (علیه السلام) صحبت خود را تکرار می‌کرد و تا پایان بحث تناقض گویی را ادامه می‌داد (Majlisi, 2007) ولی امام با این همه تناقض گویی او، فرصت مناظره آزاد را از او نمی‌گرفتند.

۱.۴.۴. پرهیز از تعصب بی‌جا

حضرت در رویارویی با پیروان بقیه ادیان و در حالت کلی برخورد با افراد مخالف، هرگز تعصب را اساس کار خود قرار ندادند و از روی تعصب برخورد نمی‌کردند، حتی در صورتی که مخاطب ایشان به مبانی دین اسلام اعتقادی نداشت، هم جدای از هر تعصب، همان کتابی را که وی باور داشت، اساس مناظره قرار داده و حجت و دلیل را از همان کتاب اقامه می‌کردند تا طرف مقابل قدرت انکار نداشته باشد؛ مثلاً در جلسه‌ای جاثلیق از مامون پرسید: چگونه با فردی مناظره کنم که از کتاب و پیامبری سخن می‌گوید که ما منکر آن هستیم؟ حضرت امام رضا (علیه السلام) بیان داشتند: «ای نصرانی! در صورتی که برای تو از انجیل دلیل بیاورم قبول می‌کنی؟» وی پاسخ داد: بله؛ به خدا قسم اقرار می‌کنم، حتی در صورتی که علیه من باشد (Tabarsi, 1966).

۲. مهارت‌های مناظرات امام رضا (علیه السلام)

در ادامه برخی از مهمترین مهارت‌ها و شیوه‌های مورد استفاده امام رضا (علیه السلام) در مناظره به صورت تفصیل ارائه خواهد شد

۱.۲. مهارت بهره‌گیری از شیوه دیالکتیکی

در این مهارت حضرت شروع به پرسش می‌کند و استدلالی می‌آورد که از چند جزئی به کلی و قیاس می‌رسد. بیان می‌دارند دلیل اینکه شما اذعان می‌دارید حضرت موسی (علیه السلام) پیغمبر است، را بیان کنید؟ فرد یهودی توضیح می‌دهد که حضرت موسی (علیه السلام)

این توانایی را داشت معجزه بیاورد. امام بیان داشتند: چرا هر کسی که بتواند معجزه کند که دیگران از انجام آن ناتوان باشند را به عنوان پیامبر قبول نمی‌کنید؟ مثلاً حضرت عیسی (علیه السلام) و یا پیامبر (ص). مهارت دیالکتیکی افزون بر پرسش، دارای این پیچیدگی نیز هست که سوالات به نحوی کنار هم قرار گرفته شده است که به عنوان نمونه بعد از پرسش چهارم به بحث اصلی می‌رساند. این مهارت بر اساس نظریه افلاطون می‌باشد که بیان داشت؛ انسان‌ها همه دانستنی‌ها را می‌دانند یا اطلاع ندارند، دو نظریه وجود دارد: ۱) بعضی حتی از بین دانشمندان مسلمان می‌گویند انسان بدون استعداد است. ۲) نظریه تذکر افلاطونی یعنی روح انسان‌ها از ابتدای تولد در عالمی بالاتر از این عالم مباحثی را یاد گرفته‌اند، اما وقتی به این دنیا آمده‌اند، فراموش کرده‌اند، به این ترتیب شخصی مثل معلم وظیفه یادآوری دارد (Copleston, 2001). سقراط نیز بیان داشته است که انسان‌ها می‌دانند و باید یادآوری کنیم و مبنای بعدی این است که در خصوص تعریف ماهیت یک شی، باید از کل به جز حرکت شود. در این بخش از مناظره حضرت به صورت مستقیم استدلال نمی‌کند، بلکه اول از راه پرسش از مخاطب اقرار گرفت و بعد علت و قاعده کلی را از آن ارائه می‌نماید و در نهایت مورد دیگر قاعده را اذعان می‌دارد.

۲.۲. مهارت پرسشی

تقریباً همه مطالب ارائه شده از سوی امام (علیه السلام) در مناظرات به صورت سوالی می‌باشد، عموماً احتجاج‌ها به این صورت ارائه می‌شود که شخص سخن را از جانب خود بیان کند، اما زمانی که از مخاطب سوال شود، وی قبول می‌کند. به این ترتیب روش سوال کردن یک شیوه تربیتی و نوعی مهارت در بیان استدلال می‌باشد. در این روش ادعای انانیت وجود ندارد، که فرد ادعا کند من می‌دانم و بقیه نمی‌دانند. این شیوه از نظر تعلیم و تربیت شخص را تشویق به دانستن می‌کند و از نظر اخلاقی حاکی از این مطلب است که فقط من نیستم که اطلاع دارد، در صورتی که دیگران تلاش کنند، نیز به این مطلب می‌رسند.

۲.۳. مهارت استدلال تمثیلی و نقضی

این استدلال یعنی یک امر جزئی و مثالی را در مقابل جزئی دیگر مثال می‌زند تا بگوید اگر حضرت عیسی (علیه السلام) مرده را زنده می‌کرد پیامبرهای دیگر هم این رویه را انجام می‌دادند. مثلاً امام رضا (علیه السلام) سایر پیامبرانی که مرده زنده کرده بودند را مثال می‌زند که بیان دارد اگر به دلیل مرده زنده کردن حضرت عیسی را می‌پرستید، باید حضرت یسع (علیه السلام)، حضرت موسی (علیه السلام) و پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) را نیز پرستید و خدا باشند (Ibn Babawayh, 1995). به این ترتیب حضرت چند مورد مشابه این مساله را بیان داشت تا سخن مخاطب را نقض نماید. از سوی دیگر به این پاسخ نقضی گفته می‌شود، چون حضرت سخن خود را بیان نکرده‌اند و تنها می‌خواهند ثابت کنند که ادعای مخاطب صحیح نیست، به این ترتیب برای نقض آن مثال می‌زنند که به این شیوه نقض از راه مشابه یا تمثیل می‌گویند، در این مهارت امام جواب نقضی می‌دهد و در قالب یک مثال یا واقعه، معقول را به محسوس تشبیه می‌نماید تا وی را متوجه بحث کند. به این ترتیب این مهارت حضرت مناسب ارزیابی می‌شود.

۲.۴. مهارت برهان خلف

در یک مورد امام به فردی مسیحی که قائل به عیسی خدایی بود، می‌فرماید: «حضرت عیسی که ما به وی اعتقاد داریم بدی نداشت، تنها بدی وی این بود که در نماز و روزه ضعیف بود (Ibn Babawayh, 1995). امام رضا (علیه السلام) از شیوه متقابل بیان می‌دارد، جاثلیق می‌گوید: به خدا قسم که علم خود را نابه سامان کردی، به این معنا که مطلب بی پایه و اساسی بیان کردی، فکر نمی‌کردم تو این سخن را بگویی. امام فرمود چرا؟ این سخن که گفتم عیسی در نماز و روزه ضعیف بود، در حالی که عیسی همیشه روزه می‌گرفت و شب‌ها، شب شب‌زنده‌داری می‌کرد. حضرت بیان کردند: «اگر خودش خدا بود برای چه کسی نماز می‌خواند و روزه می‌گرفت؟ در این بخش جاثلیق ساکت شد. در این قسمت از مناظره امام از مهارت برهان خلف استدلال نمودند.

۲.۵. مهارت استفاده از روش الگویی و آموزش لحظه‌ای

توانا

در جریان یکی از مناظرات زمانی که وقت نماز فرا رسید، حضرت مناظره را قطع کردند و به اقامه نماز پرداختند. این یک شیوه الگویی می‌باشد که حضرت در زمان نماز برمی‌خیزد و می‌رود؛ به این ترتیب عملاً نشان می‌دهد که وقت نماز است و ما باید نماز اول وقت بخوانیم، با وجود اینکه مخاطب وی تحت تاثیر قرار گرفته است، افزون بر شیوه ترتیبی الگویی، از یک سو به این شیوه آموزش لحظه‌ای هم می‌گویند، یعنی در حال آموزش به مخاطب، موردی اتفاق می‌افتد که مطلب دیگری در همان زمان آموزش داده می‌شود. یکی از روش‌های تاثیرگذار، آموزش لحظه‌ای می‌باشد، که در این شیوه اساس کار استفاده از فرصت‌های بهینه می‌باشد.

نتیجه‌گیری

در سیره اجتماعی و سیاسی امامان معصوم، مناظرات امام رضا (علیه السلام) با رهبران ادیان و مذاهب گوناگون به علت بازتاب گسترده‌ای که در تفکر اسلام و نیز تشیع داشته است، از اهمیت به خصوصی برخوردار است. مناظرات حضرت یکی از بهترین مثال‌ها برای استخراج مولفه‌ها و مهارت‌های مناظره‌های مورد تایید قرآن کریم می‌باشد؛ به این ترتیب با ارزیابی و تحلیلی که در بین مناظرات امام رضا (علیه السلام) با صاحبان ادیان و مذاهب صورت گرفت، مولفه‌ها و مهارت‌های برجسته مناظرات امام استخراج شده و مولفه‌ها را در چهار قالب دسته‌بندی کردیم: «شاخص‌های اخلاقی» با زیر مجموعه‌هایی مانند تکریم، انصاف مداری، عدم نقد شخصیت اشخاص؛ «شاخص‌های منطقی» با زیر مجموعه‌هایی مانند ساختار منطقی، بهره‌گیری از دلایل مستدل، اقناع و ...؛ «شاخص‌های عاطفی با مصادیقی مانند قول لین، محیط آرام و؛ «شاخص‌های آزاداندیشانه» با مصادیقی مانند آزادی بیان، تسامح دینی، شرح صدر و همچنین از جمله مهارت‌هایی که می‌توان در عمده مناظرات حضرت استخراج نمود، شیوه دیالکتیکی، مهارت پرسشی، مهارت استدلال تمثیلی و نقضی، مهارت برهان خلف و مهارت استفاده از

مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ گونه تضاد منافی وجود ندارد.

EXTENDED ABSTRACT

The conduct of Imam Reza (peace be upon him) in debates with representatives of various religious traditions offers a rich source for the study of interfaith dialogue and rational argumentation in Islamic intellectual history. This article explores the components and skills employed by Imam Reza (PBUH) in his discourses with Christian theologians, Jewish scholars, Zoroastrians, Sabians, materialists, and sectarian representatives from within Islam. Past research has addressed various dimensions of these debates, such as ethical principles ([Rezazadeh Kohangi & Hosseini, 2015](#)), discourse analysis ([Majidi, 2013](#)), and the role of dialogical features in propagating religious insight ([Sharifi, 2013](#)). However, the present study focuses on a comprehensive typology of debate components categorized into ethical, logical, emotional, and liberal indicators. Imam Reza's ability to integrate these elements in both content and manner constitutes the core of his persuasive power. Through descriptive-analytical methodology and textual analysis of classical sources such as "Uyūn Akhbār al-Riḍā" ([Ibn Babawayh, 1995](#)), the study delineates how Imam Reza (PBUH) leveraged reasoned persuasion, mutual respect, and a sense of justice to prevail in deeply ideological encounters. These debates were not mere confrontations but pedagogical acts marked by sincerity, strategic thinking, and spiritual empathy. The Imam's rhetorical brilliance is exemplified in his interactions with figures like Jathliq, Ra's al-Jalut, and Sulaiman al-Marwazi, where he deployed diverse argumentative

روش الگویی و آموزش لحظه‌ای توانمند می‌باشد. به این ترتیب حضرت با استفاده از مهارت‌های گوناگون در دشوارترین و طولانی‌ترین مناظرات بدون اینکه در دام کوچکترین استدلال باطل یا غیراخلاقی بیفتد، استدلال و بحث خود را تا غلبه بر رقیب پیش برده است. در نهایت می‌توان به این نتیجه رسید که مبلغان دینی با تحصیل این چنین مولفه‌ها و مهارت‌هایی می‌توانند در تبلیغ و اشاعه فرهنگ و تمدن راستین اسلامی، تأثیری راهبردی داشته باشند.

strategies, including dialectics, analogical reasoning, and scriptural references from the opponents' own religious texts ([Hashemi Ardakani, 2008](#); [Tabarsi, 1966](#)). The study affirms that the success of these engagements rested as much on rational rigor as on the ethical posture Imam Reza adopted in framing the debates. The article classifies the components of Imam Reza's debate framework into three broad categories: ethical, logical, and emotional. Among the ethical indicators, mutual respect, fairness, and the abstention from ad hominem attacks stand out as key elements. For instance, Imam Reza (PBUH) consistently refrained from humiliating or mocking his opponents—even when others in the audience did so—urging civility and dignity in scholarly discussion ([Qureshi, 2001](#)). The Imam's conduct exemplifies an embodiment of prophetic ethics, where debates are not adversarial but transformative encounters. In addressing figures like Imran the Sabian, he explicitly emphasized justice and warned against unfair tactics ([Majlisi, 2007](#); [Qalandari, 2002](#)). The logical components include methods such as using the opponent's premises to validate Islamic teachings, ensuring debates were founded on rational and structured premises, and aiming for a clear and purposeful conclusion. Notable examples include his reference to Christian scriptures in discussions with Jathliq to demonstrate prophecies about the Prophet Muhammad (PBUH), as well as using the Torah and Psalms in his engagement with Ra's al-Jalut ([Ibn Babawayh, 1995](#)). Emotional indicators such as soft-spoken communication (qawl layyin),

attentiveness to the psychological state of the interlocutor, and ensuring a calm debate environment were also instrumental in achieving profound dialogue and inner transformation (Maqami, 2004). This balanced interplay of logic and compassion allowed Imam Reza (PBUH) to intellectually and spiritually move his audience toward deeper insights.

Another significant dimension explored in the article is Imam Reza's commitment to liberal components in debate. These refer to values such as tolerance, freedom of speech, and openness to diverse perspectives. His approach to followers of other religions reflects a deeply rooted belief in religious pluralism, consistent with Islamic ethical teachings (Majlisi, 2007). The Imam did not shy away from engaging with views contrary to his own but welcomed them as opportunities for mutual learning and truth-seeking. This is evident in his debates with Christian interlocutors, where he allowed their objections to be voiced fully before responding with reasoned rebuttals. Even in situations of repeated contradiction and fallacy, such as with Sulaiman al-Marwazi, Imam Reza (PBUH) never revoked the right of the other party to speak (Majlisi, 2007). His responses demonstrate not only knowledge but a spiritual patience that amplified the moral weight of his arguments. Furthermore, the Imam's deference to the sacred texts of his interlocutors—rather than imposing Islamic texts alone—represents a model of interreligious discourse rooted in respect and epistemological pluralism (Tabarsi, 1966). This inclusivity of method, paired with a rejection of fanaticism and emotional extremism, illustrates his broader commitment to justice, understanding, and dialogical progress.

The study also highlights five primary skills used by Imam Reza (PBUH) in his dialectical engagements: the use of the dialectic method, questioning techniques, analogical and refutational reasoning, argument by contradiction (*burhān khilāf*), and role-model-based pedagogical interventions. For example, in his dialectic method, Imam Reza (PBUH) would begin with general

questions and gradually lead the interlocutor to accept a particular conclusion based on their own reasoning process, a technique reminiscent of Platonic maieutics (Copleston, 2001). He would ask a series of questions that prompted internal reflection, rather than imposing a direct assertion. The pedagogical impact of this method was significant, enabling the opponent to reach conclusions that felt self-generated and thereby more convincing. The questioning technique was another hallmark of his approach; rather than proclaiming facts, he encouraged participants to consider and answer critical questions themselves. This empowered the other party and avoided hierarchical imposition of knowledge. Such an approach resonates with the ethical spirit of Islamic da'wah (invitation), where the goal is not to defeat the other but to illuminate truth. The use of analogical and refutational reasoning, particularly in discussions about Christology, allowed Imam Reza to demonstrate the fallacies in deifying Jesus by citing similar miracles performed by other prophets (Ibn Babawayh, 1995). These analogies enabled him to dismantle theological contradictions without attacking the core of the opposing belief system.

Further, the Imam's application of *burhān khilāf* (argument by contradiction) stands as a testament to his logical precision. When confronted with assertions about Jesus's divinity, he questioned the rationale of attributing divine qualities to one who prays and fasts, pointing out the internal inconsistencies in such a theological claim (Ibn Babawayh, 1995). These moments of dialectical reversal not only silenced opposition but also induced cognitive dissonance in the audience, leading many to re-evaluate their positions. Another technique was the use of demonstrative pedagogy—teaching through action. A notable instance was his interruption of debate to perform prayer at its appointed time, thereby embedding a powerful behavioral lesson within the intellectual exchange. This exemplified the concept of *ta'līm lahẓī* (momentary instruction), where teachable moments are harnessed for spiritual formation.

Imam Reza (PBUH) modeled not just what to think, but how to live out the values he articulated. This dual approach—intellectual instruction and behavioral modeling—elevated the impact of his discourse and made the learning experience more holistic and transformative for participants and observers alike.

In conclusion, the article sheds light on the multi-dimensional nature of Imam Reza's debating method, demonstrating how a combination of ethical conduct, rational engagement, emotional intelligence, and respect for intellectual freedom formed the cornerstone of his success. His debates were not only about theological victory but about exemplifying the highest virtues of Islamic discourse. The Imam's approach to interfaith and intra-faith dialogue stands as a timeless model for contemporary religious engagement in pluralistic societies. Through logical reasoning tempered by compassion, and critical engagement moderated by ethical restraint, Imam Reza (PBUH) presented an enduring legacy of Islamic humanism in the realm of religious debate.

References

- Atarodi, A. *News and Works of Imam Ridha (Peace Be Upon Him)*.
- Copleston, F. (2001). *History of Philosophy The Cognitive Dimensions of Imam Ridha in Interaction with Scholars of Other Religions and Sects*. Soroush Scientific and Cultural Publications.
- Ghafari, M. (2017). Ethical Indicators in Razavi Debates. *Ethics Research Journal*(35), 103-122.
- Hashemi Ardakani, H. (2008). The Method of Scientific Debate in the Educational Practices of the Infallible Imams (Peace Be Upon Them): Case Study of Imam Ridha's (Peace Be Upon Him) Scientific Debates. *Islamic Education Scientific-Research Biannual Journal*(7), 7-21.
- Ibn Babawayh, M. i. A. (1995). *Uyoon Akhbar Al-Ridha (Peace Be Upon Him)*. Al-Alami Institute for Publications.
- Mahmoudi, M. (2015). Ethical Debates and Debate Ethics in Razavi Tradition and Their Application in Free Thinking Platforms. *Bioethics Journal*(15), 163-194.
- Majidi, H. (2013). Discourse Analysis of Imam Ridha's (Peace Be Upon Him) Debates. *Razavi Culture Journal*, 1(2), 9-40.
- Majlisi, M. B. (2007). *Bihar Al-Anwar*. Dar Al-Kitab Al-Islamiyyah.
- Maqami, H. (2004). *Examining the Process of Verbal Communication and Its Foundations in Islamic Education*.
- Qalandari, H. (2002). *The Eighth Imam (Peace Be Upon Him): Life, Personality, Forced Crown Prince Appointment, and Some Miracles and Sayings of Imam Ridha, Along with an Analysis of the Life and Greatness of His Noble Sister, Lady Masoumeh (Peace Be Upon Her)*. Faragoft Publishing.
- Qureshi, B. S. (2001). *Hayat Al-Imam Al-Ridha (Peace Be Upon Him)*. Saeed Ibn Jubair.
- Rezazadeh Kohangi, F., & Hosseini, A. (2015). *Scientific Principles Components of Imam Ridha's (Peace Be Upon Him) Scientific Debates: A Superior Model for Religious Freedom and Spreading Islam in the Contemporary World* (Vol. 2).
- Sharifi, E. (2013). Methods and Characteristics of Imam Ridha's (Peace Be Upon Him) Debates. *Collection of Articles from Allameh Tabatabai University*(290), 109-122.
- Tabarsi, A. i. A. (1966). *Al-Ihtijaj*. Dar Al-Nu'man.